

کشاکش قدرت

● علی حسین پور
کارشناس ارشد ایران شناسی

ایران پدید آورد، این امر از یک سو و از سوی دیگر کشمکش و جنگ و درگیری بین ایالات مختلف ایران، ناامنی فراوانی را در کشور ایجاد کرده بود. در آن زمان، ایالات قسمت اعظم جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند و نقش مهمی در به قدرت رسیدن حکومت‌ها و تأمین نیروی نظامی آنان داشتند. تهاجم قدرت‌های بیگانه نیز مزید بر علت شده بود. در این دوران پرفتوت، به ترتیب دو حکومت کوتاه‌مدت افشاریه و زندیه روی کار آمدند و به جز آرامش نسبی دوران محدود سرسلسله‌ی این حکومت‌ها، یعنی نادرشاه افشار و کریم‌خان زند، مردم کمتر روی آرامش، آسایش و امنیت به چشم خود دیده‌اند. در این دوران توصیف‌شده، منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری نیز - بنا بر دلایلی که ذکر آن خواهد آمد - همانند سایر نقاط کشور، مورد توجه و کشمکش قدرت‌طلبان قرار گرفت و متأثر از این جریان تاریخی و اجتماعی بوده و تأثیراتی نیز بر روند تحولات دوران یادشده داشته است. این منطقه به دلایل «شرایط جغرافیایی و طبیعی خاص، برخورداری از منابع بالقوه‌ی اقتصادی، نیروی انسانی پرتحرک، شکل‌گیری ایلات و طوایف بختیاری و قدرت‌گیری سران و نیز هم‌جواری با شهر بزرگ اصفهان و قرار گرفتن در مسیر راه‌های ارتباطی اصفهان - شیراز، بیش از پیش اهمیت یافت و در جریان‌های سیاسی قرن دوازدهم و به‌ویژه در تحولات پس از مرگ نادرشاه افشار، نقش مهمی ایفا نمود. زمانی که جانشینان نادر موفق نشدند حکومت پابرجایی در ایران تشکیل دهند؛ فرصتی مناسب برای سران قبایل و ایلات فراهم شد تا برای کسب قدرت با یکدیگر به جنگ و ستیز بپردازند و در این میان سرکردگان و خوانین بختیاری در منازعه برای دستیابی به قدرت در ایران نقش مهم و فعالی داشته و بخشی از تاریخ این منطقه در آن زمان را رقم زدند»^۱ که در این جا با عنوان نقش «چهارمحال بختیاری در عصر زندیه» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

معرفی کتاب

کتاب «چهارمحال بختیاری در عصر زندیه» از جمله کتاب‌های



■ چهارمحال و بختیاری در عصر زندیه (۱۲۰۹-)

۱۱۶۳ هـ. ق.

■ مؤلف: قاسم فتاحی

■ ناشر: سدره‌المنتهی، شهرکرد، چاپ اول، ۱۳۸۷،

۲۳۲ صفحه

مقدمه

با سقوط سلسله‌ی مقتدر و طولانی‌مدت صفویه در سال ۱۱۳۵ هجری قمری، تا روی کار آمدن حکومت قاجاریه، با تاج‌گذاری رسمی آقامحمد خان قاجار در تهران - به عنوان پایتخت این حکومت نوظهور - در سال ۱۲۱۰ هجری قمری، مردم ایران دوران سخت و پر آشوب و فترت و ناستواری را گذرانده بودند؛ دورانی هفتاد و پنج ساله، که شکل‌گیری آن با شورش افغان‌ها و حکومت هفت ساله‌ی آنان - از سال ۱۱۳۵ تا ۱۱۴۲ هـ. ق - آغاز شده بود و در پی آن شرایط سخت و دشواری برای مردم

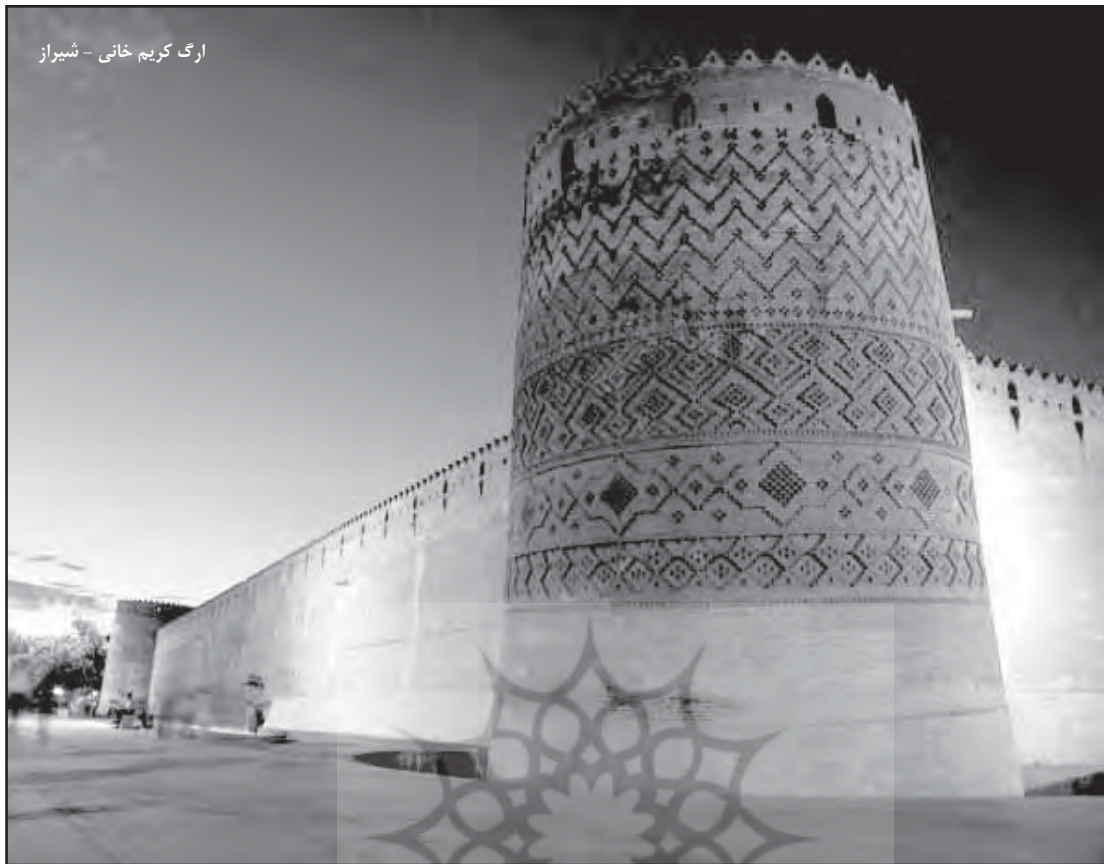
آرامگاه کریم خان زند - شیراز



عصر زندیه، منبعی علمی و موثق و جامع تألیف نشده است، این کتاب ارزشمند علاوه بر جبران این امر، به روشن شدن زوایای تاریکی از تاریخ مردم این دیار از کشورمان اشاره دارد و بنابراین از منابع معتبر و مفید در این زمینه محسوب می‌شود.

فصل اول با عنوان جنگ قبایل بر سر قدرت، فصلی است که نویسنده در آن، تحولات تاریخی ایران را پس از فروپاشی حکومت افشاریه بررسی کرده است؛ دورانی که رقابت‌های طایفه‌ای و ایلات مختلف ایران نقشی بارز و تعیین کننده در تحولات و شکل‌گیری قدرت جدید در تاریخ ایران داشته است. در این فصل - که به عنوان پیش‌درآمدی بر فصل‌های بعدی و اصلی کتاب است - اوضاع داخلی کشور و وضعیت ایلات و طوایف ایران پس از مرگ نادرشاه در سال ۱۱۶۰ هجری قمری و رقابت جانشینان نادر و تلاش برای کسب قدرت و در دست گرفتن حاکمیت کشور و ناتوانی و ناکامی آن‌ها در این زمینه و بازگشت قبایل کوچنده به خراسان در دوران نادرشاه به موطن خود و هرج و مرج و آشوبی که در آن زمان همه جا فراگیر شده بود و زمینه را برای قدرت‌یابی سران طوایف مدعی قدرت فراهم آورده بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. فتاحی درباره‌ی این دوران چنین نوشته است: «در این زمان هیچ حکومت مرکزی نیرومندی در کشور وجود نداشت، احمدخان ابدالی نواحی افغانستان را در تصرف خود داشت. شاهرخ افشار در خراسان

تاریخی جدید و ارزشمندی است که با تلاش و کوشش چندین ساله‌ی محقق ارجمند، قاسم فتاحی تألیف شده و انتشارات سدره‌المنتهی شهرکرد آن را اخیراً به چاپ رسانده است. این کتاب پس از کتاب «چهارمحال و بختیاری در عهد افشاریه»، دومین اثر قاسم فتاحی در زمینه‌ی شناخت نقش منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری در تحولات تاریخ ایران پس از سقوط حکومت صفوی است، که در آن نویسنده سعی کرده است اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری را در فاصله‌ی زمانی سقوط افشاریه (۱۱۶۳ هـ. ق) تا افول حکومت زندیه (۱۲۰۹ هـ. ق) مورد بررسی قرار دهد. این کتاب ۲۳۲ صفحه و شامل دوازده فصل، همراه با ذکر منابع و مآخذ و فهرست اعلام است. فتاحی در پایان هر فصل، نکات مفید و ارزشمندی را برای آگاهی بیشتر خواننده از سایر منابع مرتبط با موضوع و توضیح مطالب کتاب، به صورت یادداشت آورده است که بر ارزش کار او می‌افزاید. از ویژگی‌های مثبت و نقاط قوت این کتاب این است که نویسنده از منابع معتبر و ارزشمند تاریخی مربوط به دوره زندیه‌ی استفاده کرده است و در حین استفاده از مطالب این منابع، از آثار تحقیقی دیگر نیز بهره گرفته و با دیدی علمی و تطبیقی به توصیف و تحلیل وقایع مربوط به چهارمحال و بختیاری پرداخته است. از آن‌جاکه تاکنون درباره‌ی شناخت وقایع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی چهارمحال و بختیاری در



ارگ کریم خانی - شیراز

تعیین کننده برای تقویت قدرت جدید بود - پرداخته شده است. مطالب مندرج در این فصل، با این عناوین است: جنگ گمره میان علی مردان خان و کریم خان؛ جنگ «مورچه خورت» و شکست علی مردان خان از ابوالفتح خان؛ اتحاد علی مردان خان و کریم خان و شکست ابوالفتح خان؛ سقوط اصفهان و غارت آن توسط سپاه مهاجم. نویسنده درباره‌ی سقوط اصفهان و غارت آن بدون آن که قصد دفاع از اقدامات علی مردان خان بختیاری و قوای مهاجم در اصفهان و یا تبرئه آنان داشته باشد، با دیدی علمی و تحقیقی و نقادانه و با مقایسه‌ی منابع دست اول و معتبر، توضیحات قابل توجهی ذکر کرده است که بر گویاتر شدن وضعیت اصفهان در زمان تهاجم مدعیان قدرت به این شهر، کمک شایانی می‌کند و بر اهمیت کار او می‌افزاید. او در این باره چنین آورده است: «... در دو منبع اصلی و قابل اعتماد در تاریخ دوره‌ی زندیه (گیتی گشا و مجمل التواریخ) هیچ اشاره‌ای به غارت اصفهان توسط بختیاری‌ها نشده، مؤلف تاریخ گیتی گشا به طور کلی در این مورد سکوت کرده و هیچ گزارشی در مورد غارت اصفهان توسط بختیاری‌ها و دیگر طوایف ضبط نکرده است... بر اساس نوشته‌ی گلستانه، نهب و غارت اصفهان توسط کلیه‌ی افراد سپاه مهاجم صورت گرفت و نه فقط بختیاری‌ها و یا سپاهیان علی مردان خان. اگر چه بر اساس گزارش منابع ایرانی و اروپایی تردیدی نیست که تجاوزات و غارتگری‌هایی توسط

حکومت می‌کرد، آزادخان افغان در نواحی شمال غرب ایران صاحب قدرت بود، مهرعلی خان تکلو حکومت همدان را در اختیار داشت. ولایت فارس پس از مرگ نادر، ابتدا در دست فتح‌علی خان افشار و از سال ۱۱۶۳ هـ. ق / ۱۷۴۹ م. به دست صالح خان بیات افتاده بود. در مازندران و استرآباد، محمدحسن خان قاجار مدعی سلطنت بود، ابوالفتح خان بختیاری در اصفهان حکومت می‌کرد، علی مردان خان بختیاری نواحی چهارمحال و بختیاری را به تصرف خود در آورده بود و سرانجام کریم خان زند نیز در نواحی ملایر در تکاپوی کسب قدرت بود». در بین این مدعیان قدرت، پس از ناتوانی جانشینان نادر برای حفظ حکومت افشاریه، سرکردگی طایفه‌ی زند با کریم خان زند بود که توانست رقبا را از صحنه‌ی قدرت خارج کند و آنها را مطیع سازد و حکومت زندیه را در تاریخ ایران تشکیل دهد. در قسمت پایانی فصل اول، شرحی در این درباره و شناخت کلی از طایفه‌ی زند و چگونگی قدرت‌یابی کریم خان زند در مواجهه با رقیبانش، ذکر شده است.

فصل دوم: رقابت خوانین بختیاری و زند برای تسلط بر اصفهان. در این فصل شرح چگونگی رقابت بین بختیاری‌ها به رهبری «علی مردان خان بختیاری» و «ابوالفتح خان بختیاری» و طایفه‌ی زند به رهبری «کریم خان زند» برای رسیدن به قدرت و جنگ‌ها و رقابت شدید آنان برای تسلط بر اصفهان - که در واقع در اختیار داشتن حاکمیت آن شهر، بسیار حائز اهمیت و

تلاش برای کسب قدرت و در دست گرفتن حاکمیت کشور و ناتوانی و ناکامی آن‌ها در این زمینه و هرج و مرج و آشوبی که در آن زمان همه جا فراگیر شده بود. زمینه را برای قدرت‌یابی سران طوایف مدعی قدرت فراهم آورده بود

فاتحین در اصفهان صورت گرفته است»^۲.

فصل سوم: اتحاد سه‌گانه خوانین بختیاری و زند و تشکیل حکومت جدید در ایران؛ در این فصل، نویسنده درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری اتحاد سه‌جانبه‌ی علی‌مردان‌خان بختیاری و ابوالفتح‌خان بختیاری و کریم‌خان زند برای رسیدن به یک توافق کلی برای تشکیل حکومتی جدید در ایران و یافتن راهی برای کسب مشروعیت حکومت خویش و نوع مناصبی که آن‌ها باید عهده‌دار آن شوند، مطالب جالب‌توجهی را آورده است. در ادامه، به شرح ناپایداری این اتحاد سه‌گانه با پیمان‌شکنی علی‌مردان‌خان بختیاری و دستگیری و قتل ابوالفتح‌خان و لشکرکشی او به فارس پرداخته است.

فصل چهارم: واکنش کریم‌خان زند در برابر پیمان‌شکنی علی‌مردان‌خان؛ این فصل، که در واقع ادامه‌ی مطالب فصل پیشین است، به اقدامات و واکنش کریم‌خان زند در برابر پیمان‌شکنی علی‌مردان‌خان بختیاری و نبرد با خان بختیاری اختصاص دارد. در این زمان، کریم‌خان زند بر اساس موافقت‌نامه‌ی «اتحاد سه‌گانه» به عنوان مسئول امور لشکری مأمور فتح نواحی همدان، قزوین و کرمانشاهان بود، در کردستان از این پیمان‌شکنی آگاه شد و پس از مطیع کردن سران طوایف مختلف آن نواحی، به قصد سرکوبی علی‌مردان‌خان به طرف اصفهان حرکت کرد و در بهار سال ۱۱۶۵ هـ. ق با لشکری بسیار بزرگ از طریق خاک «چهارمخال» به سمت کوه‌های «زردکوه» محل استقرار سپاهیان بختیاری حرکت کرد و در جنگ سختی که در گرفت، علی‌مردان‌خان بختیاری را شکست داد. کریم‌خان با این پیروزی برای کسب قدرت نهایی تلاش می‌کرد تا حکومت جدیدی را با نام زندیه تشکیل دهد. شرح چگونگی پیروزی خان زند در این فصل ذکر شده است.

فصل پنجم: کریم‌خان و کیل‌الدوله ایران؛ با این که کریم‌خان زند در جنگ چهارمخال پیروز شده بود و به یک معنا، فرمانروای واقعی ایران بود، ولی هنوز مدعیان قدرتمند دیگری در گوشه و کنار کشور وجود داشتند که مانع از تحقق نهایی اهداف او برای تشکیل حکومت بدون رقیب می‌شدند. شرح چگونگی این رقابت در این فصل و فصل‌های ششم و هفتم تا تحکیم واقعی حکومت زندیه توسط کریم‌خان زند به عنوان «وکیل‌الدوله‌ی ایران» ذکر شده است. در این فصل، نویسنده به شرح تلاش‌های مجدد علی‌مردان‌خان بختیاری برای کسب قدرت در مبارزه با کریم‌خان زند و همچنین ماجراجویی محمدخان زند و شکست وی از علی‌مردان و سرانجام جنگ نهاوند که منجر به شکست علی‌مردان‌خان شد، پرداخته است.

فصل ششم: واپسین تلاش‌های علی‌مردان‌خان بختیاری برای رسیدن به قدرت؛ این فصل نیز به دنبال مطالب قبلی به شرح چگونگی آخرین تلاش‌های مهم‌ترین رقیب کریم‌خان زند و مدعی قدرت، یعنی علی‌مردان‌خان بختیاری و شکست نهایی او و همچنین دیگر رقیب کریم‌خان، به نام آزادخان افغان می‌پردازد. عناوین ذکر شده شامل موارد ذیل است: اقدام محمدحسن‌خان قاجار برای کمک به علی‌مردان‌خان؛ درخواست کمک ساکنان قلعه کرمانشاه از علی‌مردان‌خان؛ علی‌مردان‌خان بختیاری و شاه سلطان حسین دوم؛ جنگ کرمانشاه و پایان کار علی‌مردان‌خان؛ شکست کریم‌خان از آزادخان افغان و فرار او به چهارمخال و بختیاری؛ قتل علی‌مردان‌خان بختیاری. با قتل علی‌مردان‌خان بختیاری «پرونده زندگی دیرپاترین و قدیمی‌ترین رقیب کریم‌خان و شاید قدرتمندترین مدعی سلطنت در ایران پس از مرگ نادر، برای همیشه بسته شد. علی‌مردان‌خان در حالی از رسیدن به قدرت و تشکیل حکومت در ایران باز ماند که از پرنفوذترین و قدرتمندترین سرداران ایران پس از مرگ نادر بود. وی علاوه بر آن که از پشتیبانی و حمایت ایل بزرگ و نیرومند بختیاری برخوردار بود، پس از اتحاد با اسماعیل‌خان فیلی، حمایت لره‌ای لرستان و کهگیلویه را نیز به دنبال خود داشت. ضمن آن که به علت ارتباط نزدیک و سوابق آشنایی با شیوخ عرب در خوزستان، در بسیاری از موارد از سوی آنان نیز پشتیبانی و حمایت می‌شد و از سوی دیگر در بسیاری از مواقع، بنا به مصالح سیاسی، حمایت فرماندهان قلعه‌ی مستحکم کرمانشاه را نیز با

کریم‌خان‌زند برای آسوده بودن از خطر اتحاد طوایف بختیاری برای کیان حکومت زندیه، سیاست نادرشاه را با کوچ اجباری بختیاری‌ها به سایر نقاط کشور، در پیش گرفت

آزادی اسرای بختیاری در همدان و مشارکت در اتحاد مثلث که دو ضلع آن را بختیاری‌ها تشکیل می‌دادند، نشان‌دهنده‌ی تمایل خان زند به ایجاد رابطه با بختیاری‌ها بوده است

یاری رساندن به زکی‌خان (برادر مادری کریم‌خان و پسر عموی وی) که علیه خان زند شورش کرده بود و عکس‌العمل کریم‌خان در مقابل این شورش و اقدامات نظامی او در چهارمحل و بختیاری برای سرکوب این شورش و مطیع نمودن مردم این منطقه، پرداخته است. در این زمان کریم‌خان زند برای آسوده بودن از خطر اتحاد طوایف بختیاری برای کبان حکومت زندیه، سیاست نادرشاه را با کوچ اجباری بختیاری‌ها به سایر نقاط کشور، در پیش گرفت. «بنابراین دستور داد تا افراد طوایف هفت‌لنگ را در «فسا» و «توابع فارس» و عده‌ای را نیز در «سرحد اصفهان تا خوار و ورامین» اسکان دهند... سپس کریم‌خان حدود سه هزار نفر از جوانان بختیاری را که در میان آن‌ها سرکردگانی چون «حیدرخان» رئیس طایفه‌ی چهارلنگ نیز حضور داشتند، به سپاه خود ملحق نمود^۴. نمودار شجره‌ی نسبی خاندان زند پایان بخش این فصل است.

فصل هشتم: اقامت کریم‌خان در شیراز و نقش بختیاری‌ها در تحولات این دوران؛ در این فصل، نویسنده به چگونگی اقدامات کریم‌خان زند در دوره‌ی دوم حکومتش و اقامت چهارده ساله در شهر شیراز تا پایان عمرش؛ چگونگی مقابله وی با شورش «میرمهنا بندر ریگی» و همچنین عملیات نظامی کریم‌خان در مرزهای خارجی و نقش مؤثر و مشارکت بختیاری‌ها در جنگ بصره و تصرف آن بندر، پرداخته است. در پایان این فصل نیز به شرح عصیان حیدرخان بختیاری علیه حکومت زندیه و کریم‌خان زند و سپس مطیع شدن و وفادار ماندن او به حکومت زندیه حتی پس از مرگ کریم‌خان مطالب مفیدی را آورده است.

فصل نهم: چهارمحل و بختیاری در عهد جانشینان کریم‌خان؛ شروع مطالب این فصل درباره‌ی مرگ کریم‌خان زند در سال ۱۱۹۳ ه.ق در سن هشتاد سالگی در شیراز و جنگ قدرت میان افراد خاندان زند برای رسیدن به حکومت است. از آن‌جا که کریم‌خان جانشینی برای خود تعیین نکرده بود، کشمکش و رقابت شدیدی در سران طایفه زندیه در گرفت و بیش از هر دوره‌ای آشوب‌طلبی و هرج و مرج کشور را فراگرفت. نویسنده، در ادامه، به نقش و اهمیت چهارمحل و بختیاری از جنبه‌های گوناگون در دوره‌ی زندیه پرداخته است که دیدگاهی تحلیلی در این زمینه محسوب می‌شود. همچنین در این فصل، به بختیاری‌ها و شیوه‌ی حمایت یا مخالفت آنان با جانشینان کریم‌خان پرداخته شده است. او در این باره نوشته است: «... بختیاری‌ها چه در

خود داشت و مهم‌تر آن که بزرگ‌ترین و نیرومندترین دشمنان کریم‌خان یعنی «آزادخان افغان» و «محمدحسن خان قاجار» نشان دادند که حاضر به قبول اتحاد با او هستند... [ولی] اقدامات و سیاست‌های نادرست، پیامدی جز ناکامی وی در رسیدن به قدرت سیاسی در ایران [نداشت] و مرگ وی باعث آسودگی و آسایش خاطر کریم‌خان زند برای برداشتن گام‌های بعدی به منظور غلبه بر رقیبان دیگر و تسلط کامل بر ایران شد...^۴.

فصل هفتم: غلبه کریم‌خان بر رقیبان و تحکیم قدرت در کشور؛ در فصل هفتم شرح پیروزی‌های پی‌درپی کریم‌خان زند بر دیگر رقیبان و مدعیان در نقاط مختلف کشور، برای رسیدن وی به قدرت نهایی و تحکیم قدرت او در کشور اشاره دارد. از جمله این رقیبان فردی به نام «علی‌مردان‌خان کوچک بختیاری» است. بنابر روایت منابع عصر زندیه، وی سرداری بسیار شجاع و نامور بود و سال‌ها در خدمت «علی‌مردان‌خان» معروف (رقیب کریم) بود و رشادت‌های زیادی از خود نشان داده بود. پس از قتل علی‌مردان‌خان بختیاری، مدت کوتاهی در اسارت افراد طایفه‌ی زندیه بود و پس از آزادی، به خدمت کریم‌خان زند درآمد و نقش فعالی در مبارزات خان زند با دیگر رقیبان داشت. وی سرانجام به علت مشارکت در شورش شیخ‌علی‌خان زند مورد خشم کریم‌خان زند قرار گرفت و در روز اول شوال سال ۱۱۷۶ ه.ق به دستور خان زند به قتل رسید و به این ترتیب، یکی دیگر از رقیبان قدرتمند خان زند از سر راه برداشته شد. او به دنبال برقراری آرامش در حوزه‌ی قدرتش و سرکوبی شورش‌های احتمالی ایلات و طوایف کهگیلویه، میرزا طاهر چهارمحالی را، که فردی باتجربه بود، به نیابت حکومت کهگیلویه برای کمک به «هیبت‌اله‌خان» و مشارکت در اداره‌ی آن ایالت برگزید.

نویسنده در ادامه‌ی مطالب این فصل، به نقش بختیاری‌ها در

از آن‌جا که کریم‌خان جانشینی برای خود
تعیین نکرده بود، کشمکش و رقابت
شدیدی در سران طایفه زندیه در گرفت و
بیش از هر دوره‌ای آشوب‌طلبی و هرج و
مرج کشور را فراگرفت

زمانی که جانشینان نادر موفق نشدند حکومت پابرجایی در ایران تشکیل دهند؛ فرصتی مناسب برای سران قبایل و ایلات فراهم شد تا برای کسب قدرت با یکدیگر به جنگ و ستیز بپردازند

نسبی چهارده ساله آخر پادشاهی کریم‌خان، صنایع دستی به ویژه بافت فرش‌های نفیس در چهارمحال و بختیاری تا حدودی رونق گذشته‌ی خود را به دست آورد و با توجه به علاقه‌ی کریم‌خان زند به فعالیت‌های عمرانی، در ناحیه‌ی چهارمحال و بختیاری نیز با تسط خوانین قدرتمند در قریه چالش‌ر بناهایی چون قلعه، مسجد، پل، حمام و عمارت‌های اربابی - اعیانی احداث کردند که از جمله می‌توان به منازل «ستوده» و «آزاده» - که ویژگی‌های معماری دوره زندیه در آن به چشم می‌خورد - اشاره کرد.^۱

فصل دوازدهم: نگاهی به وضع ادبیات چهارمحال و بختیاری در عصر افشاریه و زندیه؛ در این فصل، که قسمت پایانی کتاب است، نویسنده ابتدا در چگونگی وضعیت ادبیات ایران در عصر افشاریه و زندیه مطالب مفیدی را آورده، پس از آن به معرفی شعرای چهارمحال و بختیاری با ذکر نمونه‌ای از اشعار آن‌ها در این دو دوره پرداخته است. معروف‌ترین شعرای این خطه شامل افراد زیر است: آخوند مُلا حسین «کرچگانی» ۱۰۸۹-۱۱۷۹ هـ. ق؛ مُلا محمد صادق «سالک» ۱۱۰۰ - ۱۲۰۰ هـ. ق؛ ابوالحسن «مُجرم» ۱۱۱۰ - ۱۱۸۰ هـ. ق؛ عبدالله «حداد» ۱۱۳۰ - ۱۱۷۸ هـ. ق؛ حاج علی «بینوا» ۱۱۴۰ - ۱۲۰۰ هـ. ق؛ آخوند مُلا عبدالصمد «ملالی» ۱۱۴۵ - ۱۲۲۰؛ حاج محمدقلی (حجی مُلا آقا بابا) «حیب»؛ حاج محمد کریم «کریم» (؟)؛ و حاج محمد کاظم «همت» (؟).

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- فتاحی، قاسم؛ چهارمحال و بختیاری در عصر زندیه؛ چاپ اول، شهرکرد: سدره‌المتهی، ۱۳۸۷، صص ۱۰-۱۱.
- ۲- همان صص ۱۲-۱۳.
- ۳- همان، صص ۲۸-۲۹.
- ۴- همان، صص ۹۰-۹۲.
- ۵- «علی‌مردان خان از طایفه چهارلنگ و از تیره «کنورسی» (کیانرسی) و فرزند «زمان‌خان» و خواهرزاده علی‌مردان خان معروف بود که کلمه «کوچک» را از نظر تشخیص وی و به دلیل همنامی به دایی‌اش به نام او اضافه کرده‌اند» (همان منبع، ص ۱۰۳).
- ۶- همان، صص ۱۱۶-۱۱۷.
- ۷- همان، ص ۱۴۳.
- ۸- همان، ص ۱۵۹.
- ۹- همان، صص ۱۸۳-۱۸۴.

زمان حیات کریم‌خان و چه در عهد جانشینان وی، نشان دادند که همکاری با زندیه را به مشارکت با دیگر مدعیان قدرت ترجیح می‌دهند^۲ به همین دلیل در جنگ قدرت میان طوایف زند و قاجار، بختیاری‌ها به حمایت از زندیه پرداختند. در پایان این فصل، به شرح چگونگی مخالفت بختیاری‌ها با آقامحمدخان و سرکوبی بختیاری‌ها توسط خان قاجار با شکل‌گیری حکومت قاجاریه و مطیع شدن در برابر خان مقتدر قاجار، پرداخته است.

فصل دهم: حاکمیت در چهارمحال و بختیاری در دوره زندیه و سیاست‌های کریم‌خان؛ در این فصل، نویسنده به شرح کانون‌های قدرت در مناطق مختلف چهارمحال و بختیاری در عصر زندیه و نقش کریم‌خان زند برای نزدیک شدن به این کانون‌های قدرت و حمایت از برخی از سران آن‌ها پرداخته شده است. خان زند با «...آگاهی از توانایی‌های ایل قدرتمند بختیاری در صدد بر آمد تا با برقراری رابطه آشتی‌جویانه و توأم با محبت و مدارا، حمایت بختیاری‌ها را نسبت به خود جلب نماید. آزادی اسرای بختیاری در همدان و مشارکت در اتحاد مثلث که دو ضلع آن را بختیاری‌ها تشکیل می‌دادند، نشان‌دهنده‌ی تمایل خان زند به ایجاد رابطه با بختیاری‌ها بوده است. اما مشکل اساسی که در این رابطه وجود داشت، رقابت و درگیری‌های کریم‌خان با علی‌مردان خان چهارلنگ بود»^۳. کریم‌خان در سال ۱۱۶۴ هـ. ق ابدال بیگ پسر علی صالح را به لقب «خانی» مفتخر کرد و متن فرمانی را نیز برای او در این زمینه نگاشته است که در این فصل متن کامل این فرمان و سایر فرمان‌های کریم‌خان زند برای دیگر سران چهارمحال و بختیاری ذکر شده است. پس از پی‌نوشت‌های این فصل، نویسنده حکام بختیاری را از سقوط صفویه تا روی کار آمدن قاجارها با ذکر سال حکمرانی آنان آورده است.

فصل یازدهم: اوضاع اجتماعی و اقتصادی چهارمحال و بختیاری در عهد زندیه؛ در فصل‌های گذشته، چهارمحال و بختیاری بیشتر از نظر سیاسی و نقش آن در تحولات تاریخی دوره‌ی زندیه بررسی شده است، اما در این فصل، با وجود کمبود منابع لازم در این زمینه، به چگونگی اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم این منطقه در عصر زندیه پرداخته شده است که در واقع وضعیت ناامن کشور در این دوران و کشمکش مدعیان قدرت، کوچ اجباری برخی طوایف و خانواده‌های بختیاری، شرایط سختی برای زندگی مردم فراهم آورده بود و از طرفی، مالیات‌های سنگین، ضربه‌ی شدیدی بر اقتصاد مردم زده بود. با این وجود، در پی آرامش